یادداشت هفته

افزایش جمعیت به چه قیمتی؟

محمدرضا رسولی

● غربالگری جنین‌های دارای نقص ژنتیکی در ایران با فتوای مراجع تقلید در سال ۱۳۸۴ تصویب و اجرا شد. غربالگری روشی برای جلوگیری از تولد نوزادانی است که نقص کروموزومی یا ناهنجاری شدید جسمی دارند. درحال‌حاضر سقط جنین در ایران غیرقانونی است و تنها «سقط درمانی» به رسمیت شناخته می‌شود. اما مدتی است رشد منفی جمعیت باعث شده موضوع غربالگری در مجلس در قالب طرح جمعیت و تعالی خانواده که هدف آن افزایش جمعیت است، مورد بررسی قرار گیرد. مجلس تأکید دارد که غربالگری توسط پزشکان اجباری بوده و این اجبار باید برداشته شود و برخی معتقدند غربالگری باید ممنوع اعلام شود. از زمانی که بحث حذف غربالگریِ جنین مطرح شده، رسانه‌های همسو بارها مطالبی درباره اشتباهات غربالگری و «کشتن هزاران جنین سالم» به بهانه غربالگری منتشر کرده‌اند؛ ادعایی که وزارت بهداشت به‌شدت آن را رد می‌کند. به‌تازگی نیز در برنامه زنده تلویزیونی از صداوسیما یک پزشک عمومی از آمار وحشتناک سقط جنین سخن می‌گوید و ادعا می‌کند سالانه ۳۹۰ هزار سقط جنین آن هم به‌صورت قانونی و رسمی در سال ۱۳۹۸ ثبت شده است. بر اساس این ادعا در سال ۱۳۹۸ روزانه بیش از هزار سقط جنین قانونی در کشور اتفاق افتاده است! اما طبق گزارش مرضیه وحیددستجردی، وزیر اسبق بهداشت و متخصص زنان و زایمان، آمار سقط جنین در سال ۱۳۹۸ چیز دیگری است. طبق این گزارش در سال ۱۳۹۸ تعداد ۱۲ هزار مورد تقاضای سقط درمانی به پزشکی قانونی ارائه شده که به ۹ هزار مورد اجازه سقط درمانی داده شده است. از این تعداد هزارو۸۰۰ مورد تریزومی و سندرم داون و ادواردز، شش‌هزار مورد ناهنجاری شدید فیزیکی و ساختاری و هزار مورد به علت وخامت حال مادر و برای نجات جان مادر بوده است. بنا به گفته ایشان آمار تعداد نوزادانی که سقط درمانی شده‌اند، در مقابل یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار نوزاد سالم که در آن سال به دنیا آمده‌اند، کمتر از یک درصد و فقط ۶۴ صدم درصد است که این عدد روی موضوع افزایش جمعیت اثری ندارد. ایشان در ادامه می‌افزاید «آمارهای غلط مبنای تحلیل‌ها قرار گرفته است. ضمن اینکه هیچ اجباری از سوی وزارت بهداشت و متخصصان زنان برای مادران در خصوص انجام غربالگری مطرح نبوده و اگر پزشکی اقدام به اجبار مادر برای غربالگری کرده است، متخلف بوده و باید با او برخورد شود». بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت استدلال مخالفان غربالگری، چیزی فراتر از اجباری یا اختیاری بودن آن است. آنها بر این باور هستند که عده‌ای «با زدوبند با برخی پزشکان» اقدام به گرفتن مجوز سقط جنین می‌کنند و برای تأیید این ادعا استناد می‌کنند به برخی از گزارش‌های سونوگرافی در غربالگری که طبق آمار حدود ۳۰ درصد با واقعیت همخوانی ندارد. درواقع آنان به دنبال حذف غربالگری هستند تا بدین شکل از سقط‌کردن کودکان سالم جلوگیری کنند. اما بر کسی پوشیده نیست، آن دسته از خانواده‌هایی که امکانات مالی خوبی دارند، هم راهی برای پیشگیری از بارداری می‌یابند و هم راهی برای سقط جنین زیرزمینی. بنابراین حذف غربالگری باعث افزایش تولد نوزادانی در «خانواده‌های محروم» می‌شود که یا زندگی مادر را به خطر می‌اندازند، یا عمرشان کوتاه و پرمشقت است یا نقص کروموزومی دارند و با این وضعیت نابسامان اقتصادی در جامعه‌ای که معلولان از حمایت کافی برخوردار نیستند، به این شکل، یک مشکل دیگر به مشکلات این خانواده‌ها اضافه خواهد کرد. ضمن اینکه طبق نظر کارشناسان پزشکی، امروزه سقط جنین برای زنان راحت‌تر از آن شده که نیاز به کمک پزشک و نوشتن نامه نقص جنین باشد. قرص‌های سقط جنین به‌راحتی در دسترس است و زنان از بازار آزاد تهیه می‌کنند و تنها فقط بعد از استفاده برای چک‌کردن و جلوگیری از عوارض بعدی به پزشک مراجعه می‌کنند. بر اساس آماری که مرضیه وحیددستجردی ارائه می‌دهد، اگر غربالگری به‌طور کامل حذف شود، سالانه حدود هشت‌هزار کودک دارای نقص شدید فیزیکی یا سندرم‌های کروموزومی به جمعیت ایران اضافه می‌شود. انجمن علمی ژنتیک پزشکی هم در نامه‌ای به نمایندگان مجلس هشدار داده که «با توجه به افزایش روزافزون سن ازدواج و بارداری در ایران که عامل مستقیم رشد تصاعدی سندرم‌های کروموزومی در سراسر دنیاست، حذف برنامه‌های غربالگری نه‌تنها کمکی به رشد جامعه نخواهد کرد بلکه از سلامت جسمی، ذهنی، روانی، اجتماعی و اقتصادی جامعه خواهد کاست». به اعتقاد کارشناسان راه برون‌رفت از وضعیت فعلی جمعیت کشور، ازاین‌دست اقدامات شتابزده نیست. جمعیت عامل قدرت است و باید مدیریت شود اما جمعیتی که سالم باشد و بتواند خود را اداره کند. براساس این ضروری است به شکل تخصصی در این مورد بررسی‌های لازم انجام و راه‌حل معقول و پزشکی ارائه شود که هم غربالگری با حداقل خطای پزشکی و نظارت و کنترل بیشتر انجام شود و هم با تصویب قوانینی که ضمانت اجرائی لازم را داشته باشد، نهادهای نظارتی بتوانند از تمام ظرفیت قانونی خود برای برخورد جدی با متخلفان در این خصوص استفاده کنند.

آیا تغییر استراتژی یا افق‌گشایی برای ایران یک ضرورت تاریخی است؟

ایران؛ بازگشت به تهاجم یا گذار به دفاع

شرق: گزارش پیش‌رو که برگرفته از نخستین «گزارش توسعه ملی ایران» است (به‌زودی منتشر می‌شود) و با نظارت دکتر محسن رنانی تدوین شده است، نشان می‌دهد که در مجموع شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی توسعه، ما در وضعیت «هشدار» قرار داریم و از نظر مجموعه قوت‌ها، فرصت‌ها، ضعف‌ها و تهدیدها نیز در وضعیت «استراتژی تدافعی» قرار داریم؛ بنابراین هرگونه استراتژی تهاجمی برای امروز ایران، یک استراتژی ضدتوسعه و تخریب‌کننده فرصت‌های رفاه و رضایت برای ملت ایران محسوب می‌شود و باید درون‌زا، بدون تنش، ساکت و خارج از خبرسازی و البته برون‌نگر به رفع نقاط ضعف و تهدیدها بپردازد، تا راهی برای خروج از وضعیت فعلی آشکار شود. «شاخص» ابزاری است که قوت یا ضعف شرایط یا احساسات را نمایش می‌دهد و امکان مقایسه با دیگران یا با دوره‌های قبل را فراهم می‌آورد. اگر این تعریف دانشگاه کمبریج را بپذیریم، تنها زمانی می‌توانیم قوت‌ها و ضعف‌های خود را شناسایی کنیم که به شاخص‌ها نگاه و خود را با دیگران و با گذشته مقایسه کنیم تا راهی برای حرکت به سمت مطلوب پیدا کنیم. توسعه مفهومی چندبعدی، کیفی و سهل و ممتنع است. درحالی‌که همه مردم به صورت شهودی معنای توسعه را در زندگی روزانه خود درک می‌کنند؛ اما زمانی که بخواهیم از وضعیت دقیق توسعه ایران صحبت کنیم یا بخواهیم به سؤالات زیر پاسخ دهیم، کار مشکل می‌شود:

* موقعیت ایران در فرایند توسعه و در مقایسه با سایر کشورها چگونه است؟
* چه عواملی باعث وضعیت موجود توسعه ایران شده‌اند؟
* وضعیت مطلوب توسعه ایران کجاست؟
* برای بهترشدن وضعیت موجود توسعه ایران چه استراتژی‌ها و سیاست‌هایی را باید در پیش گرفت؟

برای پاسخ به سؤالات ساده بالا باید شاخص داشت و بدون آن هیچ حرف دقیقی نمی‌توان زد. در گزارش ملی توسعه که در دست تکمیل است، ۱۳ کلان‌شاخص اصلی شناسایی و بررسی شده‌اند؛ این ۱۳ کلان‌شاخص ۱۲۴ زیرشاخص و ۷۳۴ نماگر دارند. در ادامه پاسخ ساده، روشن و نهایی سؤالات بالا را با استفاده از وضعیت ایران در زیرشاخص‌ها ارائه خواهیم کرد.

میانگین نمره فراشاخص توسعه در سال ۲۰۲۰ برای کل کشورهای جهان ۵۶/۶ است؛ اما نمره فراشاخص توسعه ایران تنها ۴۶/۵ است؛ یعنی ایران از لحاظ توسعه پایین‌تر از میانگین جهانی قرار دارد. بالاترین کشور یعنی سوئیس نمره ۸۳ و پایین‌ترین کشور یعنی جمهوری کنگو نمره ۲۰ را از صد کسب کرده‌اند. در مجموع ایران در بین ۱۴۷ کشوری که داده‌های آنها موجود است، رتبه ۱۱۴ را دارد و در بین پنج دسته کشور، در میانه دسته چهارم (یعنی توسعه در وضعیت هشدار!) قرار دارد.

اکنون باید دید که از میان ۱۲۴ زیرشاخص توسعه، کدام‌یک موجب شده‌اند که ایران وضعیت نامناسبی پیدا کند و کدام‌یک نتایج خوبی برای ایران رقم زده‌اند. به عبارت دیگر، نقاط ضعف و قوت ایران و همچنین فرصت‌ها و تهدیدهای ایران در تجربه حرکت به سمت توسعه کدام‌اند؟ اگر به این سؤال پاسخ دهیم، می‌توانیم عواملی که ایران را در مسیر توسعه متوقف کرده‌اند و همچنین عواملی که ایران را به جایگاه کنونی رسانده‌اند، شناسایی کنیم. براساس وضعیت نمره ایران در ۱۲۴ زیرشاخص، در مقایسه با میانگین جهانی مشخص شد که ایران ۴۰ قوت، ۸۶ ضعف، ۳۸ فرصت و ۸۳ تهدید دارد (که برخی از تهدیدها و ضعف‌ها و برخی از قوت‌ها و فرصت‌ها مشترک هستند). در جدولی که در مطلب می‌بینید فقط ۱۰ مورد اول (بالاترین‌ها و مهم‌ترین‌ها) از هریک از این دسته‌ها را مشاهده می‌کنید.

موارد جدول فوق ۴۰ مورد از مهم‌ترین عواملی هستند که توسعه ایران را تحت تأثیر قرار داده‌اند. اکنون پرسش این است که از بین این همه عامل مهم، باید روی کدام‌یک تمرکز کرد؟ سؤال بعدی این است که ایران باید روی استفاده از نقاط قوت خود تمرکز کند یا روی پوشش‌دادن و رفع نقاط ضعف خود؟ آیا ایران باید به استفاده از فرصت‌ها بیندیشد یا باید همه انرژی خود را برای دوری از تهدیدها بگذارد؟ به‌طورکلی سؤال این است که استراتژی بهینه برای حرکت ایران در راستای خروج این کشور از وضعیت هشدار توسعه چیست؟

چهار استراتژی اصلی وجود دارد که باید با تحلیل وزنی نقاط قوت، ضعف و فرصت‌ها و تهدیدها بین این چهار حالت، استراتژی بهینه را پیدا کرد؛ ۱- استراتژی تهاجمی، ۲- استراتژی رقابتی، ۳- استراتژی محافظه‌کارانه و ۴- استراتژی تدافعی.

* اگر کشوری نقاط قوت و فرصت‌های بسیار زیادی نسبت به ضعف‌ها و تهدیدها داشته باشد، می‌تواند از استراتژی تهاجمی استفاده کند که در واقع تمرکز بر این قوت‌ها و فرصت‌ها برای دستیابی به توسعه است.
* اگر کشوری دارای نقاط ضعف بیشتری نسبت به قوت‌ها باشد، اما فرصت‌های بسیار بیشتری نسبت به تهدیدهایش داشته باشد، می‌تواند از استراتژی رقابتی استفاده کند؛ یعنی با تمرکز بر فرصت‌ها به رفع ضعف‌های خود بپردازد.
* اگر کشوری دارای نقاط قوت بیشتری نسبت به ضعف‌هایش باشد، اما تهدیدهای بسیار بیشتری نسبت به فرصت‌هایش داشته باشد، می‌تواند از استراتژی محافظه‌کارانه استفاده کند؛ یعنی با تمرکز بر قوت‌های داخلی، به اجتناب از تهدیدها بپردازد.
* اگر کشوری نقاط ضعف و تهدیدهای بسیار زیادی نسبت به قوت‌ها و فرصت‌های خود داشته باشد، ضروری است از استراتژی تدافعی استفاده کند؛ یعنی تنها بر رفع ضعف‌ها و اجتناب از تهدیدها تمرکز کند.

وضعیت ایران در ۱۲۴ زیرشاخص در نمودار زیر نمایش داده می‌شود. هریک از نقاط آبی‌رنگ، نماینده یکی از زیرشاخص‌هاست و فاصله زیرشاخص مربوطه از میانگین جهانی را نشان می‌دهد. همان‌طور که نمودار بالا نمایش می‌دهد، وضعیت ایران در بیشتر زیرشاخص‌ها در وضعیت تهدید و ضعف قرار دارد. اگر میانگین همه نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدهای مربوط به زیرشاخص‌ها را به‌دست آوریم، به یک نقطه نهایی می‌رسیم که وضعیت کلی کشور را در مختصات نمایش و نشان می‌دهد کدام‌یک از استراتژی‌های فوق برای ایران بهینه است. همان‌گونه که در نمودار بالا نشان داده شده است، نقطه قرمزرنگ تجمیع‌شده، همه نقاط و وضعیت زیرشاخص‌هاست. این نقطه نشان می‌دهد ما در بخش چهارم مختصات قرار گرفته‌ایم و بنابراین «استراتژی تدافعی» در چنین وضعیتی برای ما بهینه است. استفاده از سایر استراتژی‌ها نمی‌تواند ایران را از «وضعیت هشدار» خارج کند و احتمالا ما را به سوی «وضعیت اخطار» سوق می‌دهد. در ادامه این چهار استراتژی و اهمیت استراتژی تدافعی برای ایران مورد بحث قرار می‌گیرد. در «استراتژی تهاجمی»، کشور باید به‌دنبال استفاده از فرصت‌ها و قوت‌های خود باشد و با توجه به مزیت رقابتی که دارد، به‌صورت تهاجمی برای توسعه برنامه‌ریزی کند. در سطح بین‌الملل، تحریم‌کردن یا اعلان جنگ با سایر کشورها، افزایش دامنه و حوزه تحت نفوذ، دخالت در امور سایر کشورها، دامپینگ برای به‌دست‌گرفتن بازار یک کشور، خروج از سازمان‌های بین‌المللی و... استراتژهای تهاجمی هستند. همچنین خروج انگلستان از اتحادیه اروپا نیز یک استراتژی کاملا تهاجمی قلمداد می‌شود. البته خود این چهار استراتژی هم طیف دارند؛ به‌عنوان مثال همه می‌دانند که کشور آمریکا به دلیل بزرگی اقتصاد و هژمونی سیاسی می‌تواند استراتژی تهاجمی را اتخاذ کند، اما در همان آمریکا برخی از دولت‌ها سیاست‌های تهاجمی‌تری نسبت به سایر دولت‌های آمریکا دارند. در «استراتژی رقابتی» کشورها بر استفاده از فرصت‌های بیرونی برای پوشش‌دادن و رفع ضعف‌های داخلی تمرکز می‌کنند. استفاده از وام‌های بین‌المللی، مشارکت در سازمان‌های بین‌المللی و معاهدات تجاری، فروش بالای نفت خام و سایر منابع طبیعی (به‌عنوان فرصت طبیعی) و خرج عواید آن برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های داخلی و... همه به‌نوعی استراتژی‌های رقابتی هستند. نمونه بسیار خوب استفاده از این استراتژی را می‌توان در کشورهای عربستان، امارات و یونان مشاهده کرد. یونان با استفاده از فرصت‌های اتحادیه اروپا و عربستان و امارات با استفاده از فرصت طبیعی نفت به رفع ضعف‌های داخلی اقدام کرده‌اند.

در «استراتژی محافظه‌کارانه» بر استفاده از قوت‌ها برای کاهش و دوری از تهدیدها تمرکز می‌شود. برای مثال، به‌طورکلی کشورهایی که تولیدات داخلی باکیفیتی دارند، با گسترش تجارت با سایر کشورهای بزرگ، روابط تجاری را دوطرفه می‌کنند تا با زیادکردن هزینه قطع رابطه، تحریم و بایکوت از تهدیدهایی مانند تحریم‌های تجاری در امان بمانند. نمونه استراتژی محافظه‌کارانه را می‌توان در کشور امارات مشاهده کرد که از درآمدهای بالای نفتی خود برای مقابله با تهدیدهای زیست‌محیطی و اقلیمی استفاده می‌کند. همچنین کشورهای عضو اوپک از تولید بالای نفت خود برای ایجاد امنیت فروش انرژی استفاده می‌کنند، یا کشورهایی مانند چین با استفاده از قدرت اقتصادی خود قراردادهای بلندمدتی برای تأمین امنیت عرضه انرژی با کشورهای نفتی می‌بندند تا از تهدیدهای امنیت عرضه انرژی در امان باشند. در «استراتژی تدافعی» کشورها تنها و تنها به‌دنبال دوری از تهدیدهای بیرونی و رفع ضعف‌های داخلی هستند تا بتوانند بحران‌های داخلی را متوقف کنند و کمتر از آنها آسیب ببینند. برای برخی استراتژی‌های کشور عمان در عدم ورود به نزاع‌های بین‌المللی، عدم پذیرش تعهدات مربوط به قطع رابطه با کشورها، تمرکز بر مشکلات داخلی و عدم دخالت در امور سایر کشورها و... از جمله برنامه‌های استراتژی تدافعی این کشور به‌شمار می‌روند. ترکیه، برزیل و حتی کره‌جنوبی نیز در مقطعی از تاریخ خود از استراتژی تدافعی و برنامه‌های ذیل این استراتژی استفاده کرده‌اند تا بتوانند ضعف‌های داخلی را پوشش داده و از تهدیدهای خارجی دوری کنند. به‌طورکل هرگونه دوری از تنش و ایجاد روابط صلح‌آمیز با همه کشورها، دوری از خبرسازی بین‌المللی، تمرکز ویژه بر رفع ضعف‌ها و تهدیدها با استفاده از همه توان داخلی و ایجاد اجماع در بین نیروهای فکری و اجرائی و مردمی در این راستا از جمله سیاست‌های تدافعی به حساب می‌آیند. نکته بسیار مهم این است که اگر کشوری از استراتژی غیربهینه استفاده کند، شاید در کوتاه‌مدت و به‌صورت بخشی در حرکت به‌سمت توسعه موفقیت کسب کند، اما در بلندمدت به دلیل وخیم‌ترشدن اوضاع در بقیه بخش‌ها، توسعه همه‌جانبه و پایدار خود را با مخاطره روبه‌رو می‌کند. کشوری که در بخش تدافعی قرار دارد، در صورت عدم توجه به نقاط ضعف و تهدیدها و استفاده از فرصت‌ها و قوت‌ها (استراتژی تهاجمی یا رقابتی)، ممکن است در طول چند سال، از نتایج آن استفاده کند اما بدترشدن و تشدید ضعف‌ها و تهدیدها باعث نامتوازن‌تر شدن توسعه و درنهایت فروپاشی ساختار توسعه کشور خواهد شد. قرارگرفتن ایران در دامنه استراتژی تدافعی آن‌هم با فاصله بسیار از مرزهای سایر استراتژی‌ها، نشان می‌دهد باید در انتخاب برنامه‌های کلان کشور دقت داشت تا به سرانجامی نامناسب برای توسعه کشور منجر نشود. این در حالی است که به نظر می‌رسد ایران در انتخاب استراتژی‌های کلان خود دچار اشتباه شده است. اولویت‌های سیاسی و اقتصادی نشان می‌دهد استراتژی ایران شباهت زیادی با استراتژی‌های تهاجمی دارد. بنابراین برای تغییر جهت استراتژیک از تهاجمی به استراتژی‌های تدافعی، ایران نیازمند یک پارادایم‌شیفت یا افق‌گشایی است که اولا اولویت اهداف خود را تغییر دهد و ثانیا بتواند با تزریق انرژی‌های جدید در سیستم، امکان و احتمال رفع ضعف‌ها و دوری از تهدیدها را فراهم یا حداقل فرصتی برای این مهم ایجاد کند. بهبود (تغییر عملکرد)، اصلاح (تغییر فرایندها و سازوکارها)، و تحول (تغییر ساختارها) مراحلی هستند که دولت‌ها برای پیشگیری از بحران اتخاذ می‌کنند. اما اگر حکومت‌ها در انجام این مراحل شکست بخورند و نقاط ضعف و تهدیدها به‌صورت متعدد و متناوب بروز کند و ساختار را بحرانی کنند، حاکمیت دیگر نمی‌تواند با استفاده از مراحل فوق و در قالب استراتژی‌های محافظه‌کارانه یا رقابتی و به طریق اولی از طریق استراتژی تهاجمی مسائل را حل‌وفصل کند. در نتیجه تنها دو گزینه باقی خواهد ماند: ۱- پارادایم‌شیفت (افق‌گشایی) و ۲-روبه‌روشدن با کنش جمعی نامتعارف. اگر جامعه‌ای در طول سال‌ها انواع بحران و ناکارآمدی در سطوح مختلف مانند سیاست خارجی، نظام قضائی، نظام آموزشی، رشد اقتصادی، بلایای طبیعی و خطاهای انسانی را تجربه و انباشت کند، این سؤال ایجاد می‌شود که آیا حاکمیت توان مقابله و مدیریت بحران‌ها را دارد؟ اولویت حاکمیت چه بوده که توان مدیریت انواع بحران‌ها را از دست داده است؟ در این حالت وضعیت جامعه شبیه به بیماری است که از بیماری بسیار سخت و پردردی رنج می‌برد و هر لحظه ممکن است بیماری بر او غلبه پیدا کند و او را از پای دربیاورد. پس اولویت و توجه اصلی حاکمیت باید بر درمان این بیماری باشد و نه هیچ‌چیز دیگر، به این عملکرد استراتژی تدافعی می‌گویند؛ بنابراین اگر نهاد سیاسی‌ای به چنین مرحله‌ای برسد، باید در اولویت‌های خودش تجدیدنظر کند. پارادایم‌شیفت یا افق‌گشایی به معنی تغییر در نوع نگاه و در نتیجه تغییر در اولویت اهداف حکومت در مواجهه با مسائل بر اساس اطلاعات به‌روزشده از وقایع جاری کشور است. تغییر نگاه از استراتژی تهاجمی به استراتژی تدافعی و تغییر اولویت‌های حکومت از اهداف تهاجمی به اهداف تدافعی راه‌حلی است که پیش‌روی حکومت قرار دارد. سرانجام پس از ماه‌ها انتظار، بایدن به ریاست‌جمهوری آمریکا انتخاب شده است. اکنون حکومت ایران دو راه در پیش دارد:

الف) از این فرصت به بهترین و سریع‌ترین وجه بهره‌برداری کند تا تنش‌های خارجی و بحران‌های مختلف داخلی را تخفیف دهد و آلام ملت ایران را کاهش دهد و انرژی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود را مصروف جبران عقب‌ماندگی‌های مختلف کشور کند که مهم‌ترین آن ایجاد فرصت‌های شغلی برای نزدیک به ۱۰ میلیون جوان بی‌کار کشور است.

ب) از این فرصت، یعنی کاهش فشار خارجی ناشی از آمدن بایدن سود ببرد تا همچنان مسیر قبلی را ادامه دهد و بر خواسته‌های خود در سیاست خارجی پای بفشارد و تضادها و رقابت‌های مخرب سیاسی داخلی و برنامه‌های آشوبناک اقتصادی ناشی از چندپارگی نظام تدبیر را در داخل ادامه دهد و مانع هرگونه تحول افق‌گشایانه برای خروج کشور از فروماندگی در مرحله شود.

مهم‌ترین قوت‌ها	مهم‌ترین ضعف‌ها	مهم‌ترین فرصت‌ها	مهم‌ترین تهدیدها ** (مأخذ: یافته‌های پژوهش)
منافع زیست‌بوم برای انسان	کیفیت مقررات	اندازه بازار	بهره‌برداری غیرمجاز از آثار دیگران
میزان انتشار آلاینده‌ها	ثبات سیاسی و نبود خشونت و تروریسم	خدمات زیست‌بوم	حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی
دسترسی به آموزش پیشرفته	آزادی فردی	تولید ناخالص داخلی سرانه	ثبات سیاسی و نبود خشونت و تروریسم
دسترسی به آب و بهداشت	میزان بهره‌وری انرژی	دسترسی به آموزش پیشرفته	میزان بهره‌وری انرژی
میزان خدمات عمومی	بهره‌برداری غیرمجاز از آثار دیگران	دسترسی مردم به سرپناه	کنترل فساد
دسترسی مردم به سرپناه	میزان اعتراضات گروهی	میزان انتشار آلاینده‌ها	ترورهای سیاسی
نبود فشارهای جمعیتی	حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی	توسعه اقتصادی نامتوازن	کیفیت مقررات
اندازه بازار	چنددستگی نخبگان	سرمایه انسانی و تحقیق	رابطه با کشورهای همسایه
امید به زندگی در زمان تولد	حقوق فردی	میزان خدمات عمومی	مشارکت مالی در مأموریت‌های صلح‌آمیز سازمان ملل متحد
تولید ناخالص داخلی سرانه	کنترل فساد	صادرات سلاح	وضعیت حقوق بشر و حاکمیت قانون

خبر

وزیر اقتصاد اعلام کرد

واگذاری سرخ آبی‌ها تا قبل از پایان دولت

● **ایسنا:** وزیر امور اقتصادی و دارایی گفت: دو باشگاه پرسپولیس و استقلال آماده واگذاری است و تلاش داریم در این دولت انجام شود. فرهاد دژپسند در حاشیه نشست دیروز خود با اعضای کمیسیون اقتصادی گفت: اگر هیئت واگذاری دو نکته اعلامی سازمان بورس را برطرف کرد، این دو باشگاه آماده واگذاری است و تلاش داریم در این دولت انجام شود. وی افزود: برای پاسخ به سؤالات تعدادی از نمایندگان در حوزه‌های مالیات، گمرک، اموال تملیکی، بازار سرمایه، مناطق آزاد و... در این جلسه حضور یافتم. سؤالات و ارائه پاسخ‌ها در این جلسه در یک روند منطقی مطرح و نمایندگان نسبت به پاسخ برخی سؤالات قانع شدند و درباره دیگر سؤالات هم با توجه به محدودیت زمانی، مقرر شد اطلاعات تکمیلی بعدا ارائه و جلسات برگزار شود. سؤالات نمایندگان مجلس در حقیقت بیان مواضع مردم از زبان وکلایشان است و ما هم توضیحات لازم را ارائه کردیم. دژپسند با اشاره به بررسی بازار سرمایه در این نشست اظهار کرد: بعد از بررسی موضوع بازار سرمایه مقرر شد نماینده سؤال‌کننده جلسه‌ای را با رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار در محل این سازمان برگزار کند تا تحولات بازار سرمایه را به صورت میدانی بررسی کنند. وزیر اقتصاد تأکید کرد: درباره تمامی جوانب بازار سرمایه باید به صورت تشریحی و مفصل بحث شود؛ زیرا در سال گذشته اتفاق‌های مختلفی در این بازار افتاده و باید علل بروز رویدادها در هریک از مقاطع زمانی بررسی شود و راهکارهای سازمان بورس، وزارت اقتصاد و دولت درباره آن مورد توجه قرار بگیرد. زیرساخت‌های بازار بورس امروز تحول اساسی پیدا کرده و قابلیت‌های آن گسترده شده است. دژپسند در ادامه و در پاسخ به سؤالی درباره بررسی موضوع واگذاری پرسپولیس و استقلال به بخش خصوصی در کمیسیون اصل ۹۰ مجلس نیز توضیح داد: واگذاری این دو باشگاه ملازماتی دارد و باید برای ارائه در بازار بورس استانداردهای مورد نظر بورس را به دست بیاورد و یک فرایند طولانی برای تطبیق شرایط آن با نیازمندی‌های بازار سرمایه وجود دارد و اکنون این موضوع مراحل پایانی خود را طی می‌کند. از سوی دیگر باید درباره واگذاری باشگاه‌های بزرگ ورزشی مانند استقلال و پرسپولیس تمام جوانب سنجیده شود و این موضوع مراحل آخر خود را طی می‌کند.

درک درست و واقعی از ام اس

بیماری ام اس ناتوانی نیست

Iran MS Society
انجمن مولتیپل اسکلروز ایران
ام اس

راه های همیاری با انجمن ام اس ایران:

*۷۳۳*٤*۲۲۲۳#

*۷۸۰*۲۲۲۳#

تلفن:
۶۶۹۵۱۱۸۷-۸
۶۶۹۵۳۹۰۷-۹